

بحران کابل بانک الگویی از آشفتگی الیگارشلی مالی نوپا در افغانستان (قسمت دوم و پایانی)

ج - بحران کابل بانک و به بازی گرفتن مسئله سیالیت مناسب

اینکه بانک ها می بایست توانمندی آن را داشته باشند که هر زمانی بدون سکتگی و تعلل وجایب و تادیات شان را تامین کنند، جزء الفبای امور بانکداری محسوب می شود. در این زمینه حفظ سیالیت مناسب و درخور حال اوضاع اقتصادی و ذهنیت های تادیاتی مشتریان، با در نظر داشت اوضاع سیاسی به مثابه عامل غیر اقتصادی، نقش کلیدی را بازی می کند. سیالیت، به تعبیر نزدیک آن ناشی از آمادگی فوری بانک برای تادیات پولی مشتریان یک مسئله بغرنج بانکداری شمرده می شود که در تعیین و سنجش پیمانه ی مناسب آن عوامل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نقش بازی می کنند.

سیالیت از یک طرف تابع مرحله ی انکشاف اقتصادی در کل خوانده شده و در قدم دوم ذهنیت تادیاتی محیطی و عادت تادیاتی مشتریان هریک به نوبه ی خود سهم مهم در ساختار "سیالیت" دارا می باشند. در جوامعی با اقتصاد های پیشرفته ی معاصر غربی، عادت تادیاتی مردم در مجموع طوری است که تادیات از طریق چک، کارت های بانکی و حواله های بانکی و در اخیر آنها حتی از طریق "بانک اینترنتی" جایگزین تادیات به شکل نقد می گردند. این روند بالاخره منجر به آن می شود که نیازمندی به حفظ و نگهداری پول نقد، که دارای سیالیت درجه یک خوانده می شود آهسته آهسته کمتری می شود.

بحث سیالیت یکی از مسایل کلیدی بانکداری امروز شمرده می شود. گسترش دامنه ی فعالیت های موسسات مالی (بانک ها و بیمه ها) در اوایل سده بیست و یکم، به ویژه عدم مراعات پشتیبانی های مناسب در قبال تادیه و تضمین های کردیتی، بالاخره منجر به بروز بحران در نظام مالی جهانی گردید. این مسئله از همه بیشتر با مثال ورشکستگی «لهمن برادرز» "Lehman Brothers"، موسسه بزرگ مالی امریکا گردید که بالاخره یک سری از موسسات مالی خورد و بزرگ دیگر در کشورهای سرمایه داری خودمدار را در کوه آب های عظیم با خود به سقوط و افلاس مواجه نمود، حتی کشوری مانند آیسلند و ادار به افلاس گردید (b ۳۹).

در کنار پول نقد، دارایی های گوناگون بانکی، نظریه این که تا کدام پیمانه و به چه سرعت زمان به پول نقد و در نتیجه به وسیله ی تادیاتی ای تبدیل می گردند، که مورد پذیرش مشتریان قرار می گیرند، از سیالیت درجه دوم و سوم این ارقام سخن به میان آید. از همین نگاه در کشورهای سرمایه داری خودمدار، ضرورت به حفظ سیالیت کمتر احساس می شود، زیرا داد و ستد، گویا به شکل مجازی صورت می گیرد.

برخلاف در کشورهای پیرامونی، به ویژه در کشورهای پسمانزعه و جنگ زده مانند افغانستان، اوضاع بکلی به خود رنگ دیگری می گیرد. نخست از همه افغان ها با داد و ستد بانکی کمتر عادت دارند. پول مورد نیاز آنها همیشه در جیب آنها به شکل نقد موجود بوده، در نتیجه در معاملات روزمره و عادی پول نقد می پردازند. در صورت ضرورت پول در یک منطقه ی دیگر، به هر هدف و نیی که باشد، نظریه عدم شبکه ی بانکی، توسط صراف های سنتی که جوابگوی این تقاضای مردم پنداشته می شوند، صورت می گیرد.

مطابق به یک پژوهش بنیاد "Afghan Threat Finance Cell"، ۹۶ درصد افغان ها معاملات پولی شان را از طریق بانک نه، بلکه توسط صراف های نزدیک خانه و کوچه شان انجام می دهند (۴۰).
گفتنی است؛ که نظام صرافی عنعنوی بر اساس "حواله" استوار بوده و از سده های قدیم به اینسو در سرزمین هندوکش رایج بوده است.

به اساس اظهارات حاجی نجیب الله اختری، رییس اتحادیه ی صرافان کابل، روزانه در حدود چهار میلیون دالر امریکایی از این طریق معامله می گردد (۴۱). هرگاه این رقم را در سطح سال بلند ببریم، حجم معاملات صرافی سنتی سالانه به بیش از یک میلیارد دالر امریکایی سر می زند. بر مبنای ارقام دیگر، ۵ درصد مردم افغانستان دارای حساب بانکی می باشند (۴۲). در کنار عادت تادیاتی، تمایل به پس انداز "مشتریان بانک به نوبه خود در تعیین سیالیت بانک نقش بسزایی بازی می کند. به غرض فهم دقیقتر ۲۵۰ هزار کارمند دولت به مثابه مشتریان کابل بانک و به حیث قشر متوسط جامعه در سطوح مختلف دارای "تمایل به پس انداز متوسط" می باشند. در این جا تمایل به پس انداز به تعبیری تذکری رود که یک شخص چند درصد مزد و معاش ماهانه ی خویش را پس انداز و چند درصد را به مصرف می رساند. در این مورد باید گفت، که هر قدر تمایل به پس انداز مشتریان بیشتر باشد، پول خود را گویا قسماً در بانک پس انداز می نمایند و در نتیجه بانک به حفظ سیالیت کمتر نیاز دارد. در رابطه به مشتریان بانک از بخش کارمندان دولت می توان دست کم سه گروه را با تمایلات مشخص هر گروه تشخیص داد:

اول، گروه بخور و نمیر: مشتریان وابسته به این گروه، به مجرد شروع ماه نو به سراغ بانک رفته و تمام مزد و معاش شان را برداشت میکنند. این امر ناشی از عدم اعتماد این گروه به بانک نبوده، بلکه محصول شرایط زندگی مشقت باری

است که گویا آنها را "پیش خور" ساخته است؛ به ترتیبی که قبل از به پایان رسیدن ماه، مزد و معاش آنها به مصرف می رسد. تمایل به پس انداز این گروه صفر و برعکس تمایل به مصرف این دسته یک می باشد. کارمندان پایین رتبه ی دولتی به شمول قوای نظامی، پلیس و سربازان جزء گروه بخور و نمیر محسوب می شوند. در این مورد کابل بانک می بایست مطابق به مزد و معاش ماهانه ی آنها آمادگی صد در صد تادیات را دارا بوده و گویا از سیالیت تام برخوردار باشد.

دوم، گروه هواداران "روز مبادا": این گروه شامل کسانی می شود که تمایل پس انداز آنها در حدود ۰/۲ تا ۰/۳ تخمین شده می تواند. این گروه گویا ۲۰ تا ۳۰ درصد درآمد شان را برای روزهای دشوار و مشقت بار پس انداز میکنند. در رابطه با این گروه بانک به صورت نسبی به حفظ سیالیت کمتر نیاز دارد.

سوم، گروه قشر نسبتاً آسوده حال: این گروه کسانی را احتوا می کند که با بطور نسبی مزد و معاش زیاد داشته و یا منابع دیگر عایداتی (جایز و یا غیرجایز) نیز دارند. تمایل به پس انداز این "بخش نسبتاً مرفه" در مقایسه با دو گروه نخستین هنوز هم بیشتر بوده و شاید تا بیشتر از ۵۰ درصد درآمد رسمی شان را به حساب های امانات در همان بانک انتقال بدهند. علاوه بر تمایل به پس انداز زیاد، این گروه آهسته آهسته به تادیات غیر نقدی هم عادت کرده، دارای چک های بانکی و کارت های تادیاتی می باشند. در رابطه با این گروه بانک هنوز هم به سیالیت کمتر ضرورت دارد. علاوه بر عادت تادیاتی و تمایل به پس انداز مشتریان، مسئله ی چگونگی اوضاع سیاسی کشور به نوبه ی خویش در مسئله ی حفظ سیالیت مناسب، نقش روانی و مهم را ایفا می کند. عدم ثبات سیاسی که در کشور حاکم است، نیاز به داشتن و حفظ پول نقد را در خانواده ها بیشتر می سازد.

ولی موضوع سیالیت برای کابل بانک در همین جا هم خاتمه نمی یابد. نگهداری پول نقد به غرض حفظ سیالیت مناسب از نگاه اقتصادی تصدی بانکی به عدم بهره برداری از این پول تعبیر می شود. یک بانک معاملات، اگر از یک طرف امانت دار پول های مشتریان می باشد، به آنها "ریح" داده و از طرف دیگر این پول مشتریان را به گروه دوم به شکل قرضه اعطا کرده و یا سرمایه گذاری می نماید؛ نتیجه این بخش درآمد بانک را می سازد. در اینجا است که سیالیت در رابطه با پدیده "حاصل و عامل" تشخیص و تعیین می گردد.

با واکنش های متقابل این عوامل از یک سو، و با در نظر داشت حجم امانت های مشتریان کابل بانک، که در زمان بروز بحران 1.3 میلیارد دالر رقم زده شده است، کابل بانک می بایست دست کم 600 میلیون دالرامریکایی به حیث سیالیت مناسب در اختیار می داشت. ولی کابل بانک نظریه اظهارات آقای فروزی کمتر از 400 میلیون دالر، به تعبیر سیالیت در اختیار خویش داشت.

مشتریان کابل بانک در اوایل ظهور بحران در حدود 300 میلیون دالرامریکایی از بانک برداشت نمودند. (43) بانک مرکزی افغانستان به صورت ناچار در حدود 100 میلیون دالر در اختیار کابل بانک قرار داد. (44) با جود آنهم آقای فروزی به مثابه رییس عامل و کسی که در جزییات ساختار سیالیت موسسه خویش می بایست وارد باشد، اظهار داشته است که اگر اوضاع بدین منوال ادامه یابد، ما سقوط خواهیم کرد. (45) این اظهارات آقای فروزی که طبعاً به واقعیت نزدیک پنداشته می شود، از چندین نگاه سوال انگیز است که در بخش بعدی به تفصیل به آن می پردازیم.

د. بحران بانکی و پیوند های دامنه دار با متنفذین سیاسی

کابل بانک به مثابه بزرگترین بانک معاملاتی افغانستان، از یک طرف زمینه ساز فعالیت های اقتصادی و تسریع کننده چرخ های داد و گرفت تجاری نقش فعال داشته است، اما از سوی دیگر در پیوند ناگسستنی با گروه های فشار سیاسی، نخبگان کرسی نشین و متنفذین پشت پرده قرار داشته است. گسترش فعالیت های بانکی کابل بانک از بدو تاسیس تا امروز در حدود 10 درصد سالانه، از یکطرف حاصل کاردانی و کارگردانی گردانندگان این موسسه تلقی گردیده، که با وجود خالیگاه های فنی تحت شرایط بخصوص کشور، چشمگیر پنداشته می شود. دیالکتیک مسئله نیز هم در اینجا نهفته است که "روابط ناروای" بانک با قشر نوپای الیگارشی به نوبه ی خود زمینه ساز عدم اعتماد مشتریان بوده و در اخیر علل عمده بحران مالی این موسسه شمرده می شود.

بنا به گزارش های رسانه ها، کابل بانک در زمان انتخابات ریاست جمهوری در اکتوبر سال 2009، در حدود 14 میلیون دالرامریکایی به نفع حامد کرزی به حیث مهمترین نامزد کرسی ریاست جمهوری، اعطا کرده است (46). علاوه بر این عمق مسئله در آنجا روشن می گردد که آقای فروزی خود به حیث عضو مهم و دستیار ستاد انتخاباتی حامد کرزی، در خدمت بخش حاکم سیاسی قرار گرفته بود.

همچنان آقای فرنود در رابطه با 16 ساختمان مجلل در مناطق ثروتمند نشین ساحلی دوبي، از پیوند های گسترده اش با الیگارشی سیاسی کشور پرده برمی دارد؛ از جمله در ساختمان های آقای فرنود آقای احمدضیا مسعود، معاون اول رییس جمهور حامد کرزی در نخستین دور انتخابات دموکراتیک، و آقای محمود کرزی سکونت دایمی داشتند (47). به مجرد فاش شدن موضوع و همزمان با بروز بحران کابل بانک، محمود کرزی دست به کار شده و گفته است که وی ساختمان ملکیت کابل بانک را در منطقه ی ساحلی "جمیرا Jumeira ترک گفته و به ساختمان دیگر نقل مکان می کند (48). بعد تر خبری پخش شد که برادر رییس جمهور بامبلغ 7000 دالرامریکایی به مثابه کرایه ی ماهانه به جای دیگر مسکن گزیده است.

رابطه ی کابل بانک با آقای حسین ، برادر مارشال محمد قسیم فهیم، معاون اول ریاست جمهوری به نوبه ی خود حیرت انگیز، نگران کننده و فاقد منطق بانکداری می باشد. درحین بحران کابل بانک، روشن گردید که آقای حسین فهیم 92 میلیون دالر امریکایی از کابل بانک وام گرفته است. این که این قرضه هنگفت تحت کدام شرایط و چه پایه ی ربح به آقای حسین اعطا شده است، هنوز هم تاریک است. ولی به مجرد افشای این موضوع ، آقای حسین عجله بخرج داده و گفته است که وی از جمله 26.5 میلیون دالر قرضه بانکی را دوباره پرداخته است (49).

برای جلوگیری از سوتفاهم، حسین اضافه نموده است که ساختمان که وی در دوبی در آن زندگی می کند، به نام خودش درج دفتر بوده و به پول شخصی خودش خریداری شده است.

با در نظر داشت ارقام مختلف دارایی های خود بانک و با ملاحظه ی ساختار مالی بانک، اعطا نمودن همچو یک رقم بزرگ که 8 درصد مجموع امانات و دارایی بانک و یا بیشتر از 20 درصد دارایی سهامداران را احتوا می کند، خارج از حیطه منطق بانکداری اصولی پنداشته می شود. با تذکر این که این روابط را باید به مثابه " مشت نمونه خروار " پنداشت که حجم محدودی از روابط علنی و پیوند های دوجانبه سهامداران بانک با الیگارشسی سیاسی و مالی را افشا می کند.

ه . بحران بانکی و الیگارشسی مالی نوپا در بوته ی انتقادی

با در نظر داشت اهمیت بسزای ستراتیژی و سوق الجیشی سرزمین کوهپایه های هندوکش ، در رابطه با منابع نسبتاً سرشار و دست ناخورده ی طبیعی، فرصت تاریخی که بعد از سرنگونی نظام " التقاطی استبدادی" گروه طالبان فرهنگ ستیز بروز نمود، کرسی نشینان تازه دم، به مثابه فرآورده های توافقات بن، "نظام بازار آزاد" را الگوی پیروزی های اقتصادی و اجتماعی اعلام داشتند. پرواضح است که بنیادگذاران و دست اندرکاران سیاست های اقتصادی کشور می توانستند که با طرح یک برنامه درازمدت اقتصادی درخور حال شرایط ویژه یک کشور " پسامنازعه" ، در جهت شگوفایی اقتصادی و از این طریق در راستای ثبات سیاسی و تحکیم پیوند های اجتماعی، آگاهانه و هدفمند گام بردارند. ولی درک گردانندگان و طراحان چرخ های " اقتصادی بازار آزاد" در چنبره سیاست اقتصاد " نیولبر الیزم" - یعنی خصوصی سازی هرچه بیشتر صنایع و تاسیسات، قانون زدایی و سیاست های درهای باز- آنهم بدون پیشوند سیاسی و یا پسوند اجتماعی تبلور نمود. در نتیجه در عمل " بازار آزاد " به مثابه پیاده کردن الزامی "نیولبر الیزم" به شکل " سرمایه داری لگام گسیخته " جان گرفت. (این موضوع را نویسنده در نوشته های جداگانه به بحث گرفته و راهیافت مشخصی ارائه نموده است)(50).

در این میان، بعد از سپری شدن 9 سال، با سرمشق قرار دادن " نیولبر الیزم" در تمام شئون اقتصادی و شالوده های نظام بانکی، لایه ی بخصوص سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در حال تکوین بوده، که در تعیین سرنوشت حال و به احتمال در آینده گنگ و تاریک، نقش بسا مهم و تاریخی بازی خواهد کرد.

در این قشر خاص، که به مثابه " الیگارشسی مالی نوپا" عرض اندام می نماید، سرشت ساختاری آن در ترکیب بخش از فرمانروایان سیاسی کهنه کار و نخبگان تازه دم کرسی نشین، حلقه های مسلح تحت نام مالکان " شرکت های امنیتی خصوصی" در پیوند ناگسستنی و در تداوم با حلقه های مسلح قوماندانان دوره جهاد و قسماً قاچاقبران مواد مخدر و در اخیر گروه انگشت شمار سرمایه داران نوکیسه، خلاصه می گردد. البته این " الیگارشسی مالی نوپا" از پشتیبانی مستقیم حامد کرزی ، رییس جمهور، ستاد مشورتی و همراهان سیاسی وی که روز به روز رنگ محافظه کاری و دین پناهی یعنی دین گرایی کاذب را بخود می گیرند، برخوردار بوده، در واقع حامد کرزی با تنیدن پیوند های گسترده در قله های هرم این ساختار تازه جای گرفته است.

جای شک و تردید نیست که وابستگان این " الیگارشسی مالی نوپا" با ترکیب غیرمتجانس اجتماعی و چشم انداز های سیاسی خویش، در " رقابت و تبانی" با هم، همزیستی دارند. از همین رو بعضاً با وجود توقعات یکسان، در عملکرد های خود حتی به منافع قشری خود نیز صدمه وارد می کنند. علت این پدیده اجتماعی از جمله در این اصل خلاصه می شود که قدرتمندان معدود نوپای مالی از یکطرف فاقد تجربه ی تاریخی و شعور طبقاتی منسجم بوده و از طرف دیگر با کفایت های لازم " حرفه ای " و کارشناسی برای مدیریت پویا آراسته نمی باشند.

در پیوند با متنفذین سیاسی علنی و پشت پرده، فعالیت های " شرکت های خصوصی امنیتی " و منابع گزاف مالی که در اختیار این شرکت ها قرار می گیرد نمونه ی تازه از " جنگسالاری " عرض اندام می کند که با وجود نام و نشان دیگر، محتوای قدیمی را با خود حمل می کند.

از جمله می توان از برادران کرزی به حیطه گروه خاصی یاد نمود که برادر بزرگ (محمود کرزی) مستقیم در اقتصاد نقش بازی کرده و برادر کوچک (احمدولی کرزی) در بخش های امنیت، قراردادی مواد با قوای بین المللی و شرکت های ترانسپورتی و خانه سازی در قندهار فعالیت دارد (51).

همچنان برادران حشمت کرزی و حکمت کرزی، پسر عموهای رییس جمهور، که شرکت " ایشیا سیکوریتی گروپ" "Asia Security Group" به آنها تعلق دارد و برادران احمد راتب پوپل و احمد رشید پوپل ، مالکان و مدیران " وطن ریسک منجمنت " " Watan Risk Managment " از حمایت های سیاسی در کابل برخوردار می باشند.

البته در این هم چشمی ها، حاجی حسین فهیم، برادر مارشال محمد قسیم فهیم، به حیث مالک شرکت " ستراتیجیک سیکوریتی سولوشنز انترنشنل " Strategic Security Solutions International عرض اندام می نماید. در فهرست مالکان شرکت های خصوصی امنیتی به زودی نام های آشنای دیگر را نیز می توان دید: از جمله شرکت " شمشاد" مربوط عبدالروف زدران(حدران) ، پسر پاچا خان زدران یا " افغانستان نوین" مربوط لطف الله از وابستگان عبدالرب سیاف، شرکت "الیت " Elite" ملکیت صادق مجددی، پسر صبغت الله مجددی، شرکت "ان سی ال" "NCL" مربوط به حامد وردک، پسر عبدالرحیم وردک وزیر دفاع کشور، شرکت " افغان ریسک" " Afghan Risk" متعلق به جلال الدین ربانی، پسر برهان الدین ربانی، سابق رییس جمهور (52).

از آنجایی که این شرکت ها در ترکیب " الیگارشلی مالی نوپا" روز به روز مقتدرتر گردیده و در آخرین تحلیل حیات و بقای خویش را در " درهمی و یرهمی" اوضاع امنیتی می بینند، و حتی قیادت رییس جمهور را مورد تهدید قرار داده می توانند، حامد کرزی تصمیم گرفته است تا فعالیت های این شرکت ها را تا پایان سال جاری متوقف سازد و وظایف 50 هزار نیروی تحت فرمان این شرکت ها را خود قوای امنیتی کشور بردوش گیرد.

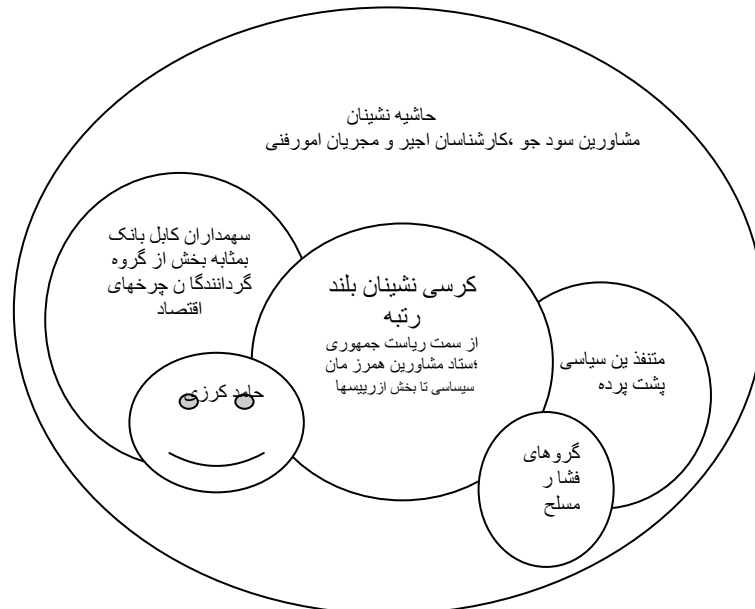
یقین است که در این رابطه هنوز هم آخرین سخن ادا نشده و اولین قدم هم برداشته نشده است. تا آن زمان از شلیه های زیبای طبیعی ولی اندوهناک پغمان آب فراوان سربه سنگ زده و نوحه کنان به دریای خشکیده کابل سرازیر گردیده، و روزی هم این رودبار باستانی شاید دوباره لبالب از آب هایی منزه گردد که همه ی آلودگی ها را با طهارت سیاسی شستشو دهد.

در بخش اقتصادی " الیگارشلی مالی نوپا" به ویژه با مثال کابل بانک با ساختار فکری بخصوص روبرو می شویم که با وجود نشانه های کم و زیاد فکر ابتکاری و پویای اقتصادی، این قشر در آخرین تحلیل از قید اندیشه های سنتی تجاری ، از قبیل سرمایه گذاری های زودرس و تجملی، گرفتار مانده است که سرمایه گذاری های ساختمانی در دبی تجلی خاصی از این پدیده را برملا می سازد.

آقای فرنود و شرکایش، " کابل بانک" را چون " دکان و مغازه شخصی" شان پنداشته ، هر زمان و به هر نوع که خواستند پول برمی دارند، چگونگی شرایط تادیه دوباره و پایه ربح، اگر مورد سوال قرار گیرد، بدون ضوابط و مقررات بانکی خودشان تعیین می نمایند. یعنی " پخپل سر" (خودسرانه) عمل می کنند.

سرانجام با توسل به استفاده های ناروا از امکانات مالی، دادن قرضه های بدون پشتیوانه و تضمین به متنفذین سیاسی و سرمایه گذاری های ناسالم و خطر آفرین، دامن کابل بانک را به بحران کشانیده شد.

ساختار الیگارشلی مالی نوپا در افغانستان



ضرر متصور در کابل بانک در مجموع 300 میلیون دالرامریکایی رقم زده می شود. اگر این رقم را با سرمایه سهامداران در پیوند ببینیم، کابل بانک : سرمایه خود را حیف و میل کرده و دیگر با امانت های مشتریان به فعالیت های ادامه می دهد (53).

جالب اینکه "دفتر رسیدگی فرگاسن" Fergosen که یک موسسه معتبر و مشهور بازرسی بیلابنس های تصدیحی مقیم در ایالات متحده امریکا می باشد، در گزارشش، فعالیت های 9 ماه اخیر سال 2008 و 12 ماه سال 2009 کابل بانک را زیر غور قرار داده و به نتیجه ی می رسد که بیلابنس کابل بانک سالم و مطابق به معیار های گزارش های مالی جهانی و قوانین بانکی افغانستان ترتیب و ارائه شده است (54).

این موضوع به ترتیبی که شرکت "دفتر رسیدگی" ارائه می دارد، بدون اینکه اهلیت کاری و فهم حرفه بی این موسسه را مورد شک قرار دهیم، از چندین نگاه سوال برانگیز است. نخست این که مبلغ 300 میلیون دالری که به حیث زیان کابل بانک رقم زده شده است، آیا در جریان 8 ماه همین سال 2010 به وقوع پیوسته است، یا اینکه ناشی از عملکرد کابل بانک در سال های گذشته می باشد. در بیلابنس ها کابل بانک که هم تارنمای خود کابل بانک و هم در صفحه دافغانستان بانک، انتشار یافته اند و ضمیمه تصدیق کار، موسسه فرگاسن Fergosen شده اند، از این رقم در قالب دارایی ها و وجایب بانک، هیچ خبری نیست.

جا دارد که گفته شود، متصدیان کابل با استعداد ویژه خویش، موفق گردیده اند، که حتی یک موسسه بین المللی معتبر را نیز، به بازی گیرند. با وجود منجمد ساختن دارایی های سهامداران بزرگ کابل بانک و برکناری رییس هیات نظارت و هیات عامل، در محدوده حکومت قانون، اگر در افغانستان موضوع بحث باشد، بایست عواملان بحران به دادگاه کشانیده شوند. هرگاه "دافغانستان بانک" و یا حکومت کابل هر دو یکجا و یا تنها تنها بخواهند خسارات وارده را از انذخایر اسعاری کشور، که 4.8 میلیارد دالر رقم زده شده (55) جبران نمایند، در آخرین تحلیل بار این جبران مالی را مردم افغانستان به دوش می کشند. ولی فضای حاکم رشوه ستانی، فساد اداری و پیوند های ناروای اقتصادی و سیاسی بیانگر این نکته اند، که در این مورد نیز مانند چندین مورد دیگر، بازرسی و تحقیق جزایی صورت نخواهد گرفت. مصداق این ادعا مسئله ی فضل احمد فقیر یار معاون لوی سارنوال یا دادستان کل افغانستان می باشد که به اقتضای وظیفه سپرده شده اش آقای محمد صالحی مشاور رئیس جمهور را روانه زندان کرد.

فقیر یار صالحی را متهم به همکاری با شرکت "انصاری جدید" نموده بود و با در نظر داشت اسناد موثق زندانی شدن او را امر لازمی می دانست. در این دوسیه آقای حاجی رفیع عظیمی نیز به اتهام همکاری با "انصاری جدید" با آقای صالحی همکاسه خوانده شده بود. ولی مدتی نگذشت که آقای صالحی به امر رییس جمهور آزاد و همچنان آقای عظیمی بی گناه خوانده شده، در مقابل آقای فقیر یار از وظیفه اش سبکدوش شد (56). *

روند تکوین نخبگان مالی نوکیسه در افغانستان طوری است که اکنون دانه های گسیخته از "حلقه شیطانی" دوباره برگردن "الیگارشلی مالی نوپا" به رشته درمی آیند و موقتاً در پیوند قرار می گیرند.

رویکردها:

- (1) The New York Times, September 2, 2010
- (2) The Washington Post, September 2, 2010
- (3) The Washington Post, September 1, 2010
- (4) <http://www.kabulbank.af/html/LettertoCorrespondentBanks.pdf>
- (5) <http://www.kabulbank.af/html/LettertoCorrespondentBanks.pdf>
- (6) <http://www.kabulbank.af/html/LettertoCorrespondentBanks.pdf>
- (7) <http://www.centralbank.gov.af/pdf/Law%20of%20Banking%20in%20Afghanistan%20Pashto%20&%20Dari.pdf>
- (8) <http://www.centralbank.gov.af/kabul-bank.php>
- (9)

Board of Shareholders	Shares	% of holding
Mr. Sherkhan Farnood	78,083	28.16 .1
Mr. Khalilullah Ferozi	78,083	28.16 .2
Mr. Mahmood Karzai	20,548	7.41 .3
Mr. Mohmmad Taheer	18,699	6.74 .4
Mrs. Farida Farnood	18,534	6.68 .5
Mr. Haji Sherin Khan	16,439	5.93 .6
Mr. Ghulam Farooq Naseeb	8,219	2.96 .7

Mr. Zahed Faheem	8,219	2.96 .8
Dr. Ahmad Javid	6,000	2.16 .9
Mr. Jamal Khil	5,343	1.93.10
Mr. Nesar Ahmad	4,726	1.70.11
Mr. Abdul Rab	4,110	1.48.12
Mr. Hayatullah	4,110	1.48.13
Mr. Mohammad Ihsan Rafet	2,466	0.89.14
Mr. Shokrullah Shokran	2,055	0.74.15
Mr. Rabiullah Kakar	1,644)	0.59.16
Total	277,278	100

<http://www.kabulbank.com/html/Financials.html>

<http://www.kabulbank.com/html/Financials.html> (10)

Licensed Financial Institutions (11)

Afghanistan International Bank , Afghan United Bank ,Azizi Bank ,Arian Bank,Bank-E-Mili Afghan,Bank Alfalah Ltd ,Brac Afghanistan Bank ,Bakhtar Bank ,Habib Bank of Pakistan ,Kabul Bank,National Bank of Pakistan ,Pashtany Bank ,Punjab National Bank , India Standard Chartered Bank ,[The First Micro Finance Bank](#) ,Maiwand Bank ,Ghazanfar Bank

<http://www.kabulbank.com/dari/html/AboutUs.html> (12)

<http://www.kabulbank.af/html/financial2009.pdf> (13)

The Washington Post, Augus 2,2010 (14)

Louis Imbert, Wegzoll, Schmutzgeld, Schmuggel, in: Le MONDE (15)

diplomatique, deutsche Ausgabe, September 2010, S.5

همانجا (16)

Afghan's New Ansari Exchange was laundering Taliban money',<http://www.zeenews.com/news647853.html> (17)

The International Herald Tribune, August 30,2010., P:5 (18)

The Washington Post, September 8, 2010 (19)

The Washington Post, August 2, 2010 (20)

همانجا (21)

The Washington Post, September 8, 2010 (22)

The New York Times, September 2, 2010 (23)

The New York Times, September 4, 2010 (24)

The Wall Street Journal, September 2, 2010 (25)

New York Times, September 2, 2010 (26)

Associated Press, September 2, 2010 (27)

Derselbe (28)

The Wall Street Journal, September 2, 2010 (29)

Associated Press, September 2,2010 (30)

The Washington Post, Augus 2, 2010 (31)

BBC News, Business, 7 September, 2010 (32)

The New Yoek Times, September 2, 2010 (33)

<http://www.kabulbank.com/html/Financials.html> (34)

Andrew Higgins, Kabul Bank's Sher Khan Farnood feeds crony capitalism (35)
in Afghanistan, Washington Post, February 2, 2010 ,

<http://www.rawa.org/temp/runews/2010/02/22/kabul-bank-sher-khan-farnood-feeds-crony-capitalism-in-afghanistan.html>

- The Washington Post,, September 2,2010 (36)
- <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/asia/afghanistan/5991447/Karzai-familys-wealth-fuelling-insurgency.html> (37)
- <http://www.meinpolitikblog.de/2010/09/06/die-grsste-bank-afghanistans-wird-gestrmt-und-muss-gerettet-werden/> (38)
- The Washington Post, August 2, 2010 (39)
- (39a) Compare, (54)
- (39b) Fareed Zakaria, The Post American World, Penguin Book,, Great Britain, 2009,
Preface as an important Part
- Le Monde diplomatique, September 2010,P.5 (40)
- همانجا (41)
- The Washington Post, Septemeber 2, 2010 (42)
- The Washington Post, September 8, 2010 (43)
- The New York Times, September 4, 2010 (44)
- The New York Times, September 2, 2010 (45)
- The New York Times, September 2, 2010 (46)
- همانجا (47)
- The Washington Post, September 1, 2010 (48)
- The Washington Post, September 1, 2010 (49)
- Samimy, Said Musa, Globalization and its impact on Afghanistan, in (50)
Goftaman, <http://www.goftaman.com/daten/fa/index.htm>
- The kilidGroup**, <http://www.tkg.af/english/reports/political/234-top-leaders-tied-to-security-companies> (51)
- همانجا (52)
- The New York Times, September 2, 2010 (53)
- <http://www.kabulbank.af/html/notes.pdf> (54)
- The New York Times, September 2, 2010 (55)
- International Herald Tribune,August 30, 2010 (56)